

شهادت دکتر محسن فخری زاده از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر: حق حیات

محمد ستایش پور^۱، رضوانه‌السادات هاشمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

چکیده:

هدف‌گذاری و مبادرت به ترور افراد از جمله اقداماتی است که حق حیات را از اشخاص سلب می‌نماید و در موجب انتقادات زیادی در جامعه بین‌المللی شده است. چنین اقدامی، مغایر با تعهد به رعایت و تضمین حقوق بنیادین بشر از جمله حق حیات انسان‌ها و همچنین قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه دانسته شده است. حق حیات و ممنوع بودن سلب آن، در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته شده است؛ گرچه به دلیل وجود مبانی نظری متفاوت، تفاسیر مختلفی در این باره دیده می‌شود. بی‌تردید، این‌گونه اقدامات جنایتکارانه در ترور یک مقام رسمی و دولتی جمهوری اسلامی ایران، مصداق کامل و بارز تروریسم دولتی، تروریسم سازمان یافته و نقض آشکار حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، مخالف منشور ملل متحد و دیگر اسناد، اصول و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی دانسته می‌شود. احترام و تضمین حق حیات که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مطرح گشته، یک قاعده آمره بین‌المللی است که نه تنها دولت‌های سرزمینی، بلکه کلیه دولت‌ها ملزم به متابعت از آن هستند و در ترور دکتر فخری‌زاده، این مقررات بین‌المللی نقض گردیده است. از آنجا که اصل ترور شهید محسن فخری‌زاده، به عنوان یک چهره نظامی و هسته‌ای، به یکی از مباحث مهم حقوقی بین‌المللی قابل توجه در جهان و منطقه تبدیل شده، مقاله پیش رو، به این موضوع پرداخته است.

واژگان اصلی: محسن فخری‌زاده، حقوق بین‌الملل بشر، ترور، دانشمند هسته‌ای، حق حیات، امنیت فردی.

۱. استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

elahekazemzade@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

در غروب روز جمعه، ۷ آذر ۱۳۹۹ هجری شمسی، یک درگیری در منطقه آبسرد، آغاز و منجر به تبادل آتش میان دو طرف شد. طی این درگیری، خودرو اول، با آر پی جی، نشانه گرفته شد و به خودرو دوم هم تیراندازی شد. یک وانت نیشان بمب‌گذاری شده نیز در محل حادثه منجر شد. طی این اقدام، دکتر محسن فخری‌زاده، به شهادت رسید و خانواده ایشان مجروح شدند.

بلافاصله پس از این اقدام، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، واکنش نشان داد و خبرنگار صهیونیست، تصریح داشت که دکتر فخری‌زاده، سال‌ها هدف موساد بوده است. این در حالی است که قدری، پیش‌تر، یعنی در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۹۸، سردار سپهد حاج قاسم سلیمانی، طی اقدامی که ایالات متحده آمریکا به صراحت، آن را منتسب به خود دانسته، به شهادت نائل آمده است. باری، اقدامی که منجر به شهادت دکتر فخری‌زاده و جراحت خانواده ایشان شد را تا زمان نگارش نوشتار پیش رو، هیچ دولت یا بازیگر غیردولتی، به صراحت به خود منتسب ندانسته است.

شهادت دکتر فخری‌زاده، از ابعاد مختلف حقوقی قابل بررسی است. نوشتار پیش رو بر آن شده است که شهادت دکتر محسن فخری‌زاده را از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر تحلیل کند. فرضیه پژوهش این است که شهادت دکتر فخری‌زاده، به موجب حقوق بین‌الملل، به صورت فراقانونی صورت گرفته و مغایر با حق حیات دانسته می‌شود و به موجب حقوق بین‌الملل، توجیه‌ترور هدفمند و دفاع مشروع پیش‌دستانه، به هیچ وجه، پذیرفته نیست. راستی‌آزمایی فرضیه‌های این پژوهش از طریق توصیف، تحلیل منطقی و بررسی گزاره‌های حقوقی بین‌المللی است.

در پژوهش پیش رو، نخست به زمینه‌های وقوع شهادت دکتر فخری‌زاده پرداخته می‌شود و سپس، تعهدات اولیه حقوق بشری که نقض شده‌اند بررسی می‌گردند و در قسمت سوم، به رد ادعاهای مطروحه در موجه خواندن اقدام علیه شهید فخری‌زاده، پرداخته می‌شود. جستار حاضر، یک پژوهش کمی به شمار نمی‌رود و تنها به اقتضای آن که لازم است واقعاً مربوط به شهادت دکتر فخری‌زاده به موجب نظام بین‌المللی حقوق بشر، تحلیل شود، در آغاز به زمینه‌های واقعه مربوطه پرداخته شده است و روش پژوهش به مفهوم تحقیقات کمی در آن وجود ندارد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع است که این اطلاعات از طریق فیش برداری جمع‌آوری می‌شوند.

۱. زمینه‌های وقوع شهادت دکتر فخری‌زاده در سیاق نظام بین‌المللی حقوق بشر

شهادت دکتر محسن فخری‌زاده به عنوان یکی از دانشمندان برجسته کشور در عرصه هسته‌ای، بازتاب زیادی داشته است. تا زمان نگارش سطور پیش رو، ابعاد زیادی از شهادت ایشان، فاش نشده است. مرتکبان از واهمه اقدام سخت جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان جمهوری اسلامی، ترور شهید دکتر محسن فخری‌زاده را به خود منتسب ندانسته‌اند و از تصریح در زمینه انتساب عمل مربوطه احتراز ورزیده‌اند. جمهوری اسلامی نیز به جهت مسائل مربوط به امنیت ملی و منافع عمومی، از فاش کردن برخی اطلاعات، به درستی، احتراز ورزیده‌اند. با این حال، در این باره، آن چه که پر واضح و نیک روشن است، این است که حق حیات یک دانشمند برجسته نقض شده است. دانشمندی که مضاف بر جایگاه رفیع علمی، مقام رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران دانسته می‌شده است و از این رو، ابعاد آن تأییدتر است. در این باره، شایسته توجه است که شورای امنیت سازمان ملل متحد، در قطعنامه ۱۷۴۷ خود در زمینه هسته‌ای که در سال ۲۰۰۷ میلادی صادر کرد، بر نام دکتر محسن فخری‌زاده، تصریح داشته است (UNSC Res. 1747, 2007: 6).^۱ با این که به فراخور جایگاه و نوع فعالیت شهید دکتر فخری‌زاده، بسیاری از آورده‌هایی که برآمد اندیشه و مدیریت ایشان دانسته می‌شود، قابل بیان نیست اما ایشان، حتی قبل از شهادت، به جهت دانش خود، در گستره فراسرزمینی، شخصی شناخته شده است (Fassihi, et al., 2020).

دکتر محسن فخری‌زاده مهابادی، از سال ۱۹۹۲ میلادی به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین علیه السلام، در زمینه تحقیقات هسته‌ای به مطالعه و پژوهش و تربیت نیروهای اندیشمند پرداخت و سپس رییس دانشگاه صنعتی مالک اشتر شد. وی، رییس سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی (سپند) بود. لازم به ذکر است که نام دکتر محسن فخری‌زاده، به عنوان یکی از پنج شخصیت ایرانی در فهرست ۵۰۰ نفر قدرتمندترین افراد جهان^۲ از سوی نشریه آمریکایی فارین پالیسی^۳ منتشر شده است (<https://foreignpolicy.com/2013/04/29/the-fp-power-map/>).

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف از جمله و به ویژه در زمینه برنامه‌های موشکی و هسته‌ای پیشرفت چشم‌گیری داشته است (Fitzpatrick,

^۱ <https://www.un.org/securitycouncil/content/resolutions-adopted-security-council-2007>

^۲ “The 500 Most Powerful People on the Planet”

^۳ “Foreign Policy”

(11 & 7: 2013). وی طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ شمسی) مؤسسه‌ای به نام سازمان نوآوری و تحقیقات دفاعی (معروف به سپند)، که به دانشگاه صنعتی مالک اشتر وابسته است را اداره کرد. سازمان پژوهش و نوآوری‌های دفاعی، با نام کوتاه شده سپند، در فوریه ۲۰۱۱ میلادی تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح قرار دارد. شهید دکتر فخری‌زاده دانشمند ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رئیس سابق مرکز تحقیقات فیزیک بود. شهید دکتر فخری‌زاده در گزارش سال ۲۰۰۷ میلادی سازمان ملل متحد، در مورد برنامه هسته‌ای ایران به عنوان «شخصیت اصلی» توصیف شد. در ترور وی، در میدان خلیج فارس شهر آبرسد، ابتدا یک خودرو نیشان، کنار خودرو شهید دکتر فخری‌زاده منفجر شده و بعد از آن شخص یا اشخاصی دیگر از داخل یک خودرو در سمت دیگر خیابان خودروی حامل شهید دکتر فخری‌زاده را به رگبار بسته‌اند. در جریان این درگیری، یکی از محافظان شهید دکتر فخری‌زاده، چهار تیر خورده و ایشان هم بعد از انفجار و اصابت گلوله، با بالگرد به بیمارستان منتقل شده و در آنجا به فیض شهادت نائل شده است. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در بیانیه‌ای، شهادت دکتر فخری‌زاده در جریان ترور را تأیید کرد. در جریان این درگیری، تعداد دیگری از افراد هم کشته شدند.

نیویورک تایمز گزارش ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی خود راجع به ترور شهید دکتر فخری‌زاده از قول سه مقام آمریکایی (یک مقام رسمی و دو افسر اطلاعاتی) بیان کرد که رژیم صهیونیستی، پشت حمله به این دانشمند بوده است. هر چند معلوم نیست که ایالات متحده آمریکا، چقدر در جریان این عملیات بوده است، ولی آمریکا و رژیم صهیونیستی در تبادل اطلاعات راجع به جمهوری اسلامی ایران، همکاری نزدیک دارند و کاخ سفید و سیا از ابراز نظر در این مورد خودداری کرده‌اند. روز ۳ دسامبر ۲۰۲۰ میلادی، یک مقام ارشد دولت آمریکا گفت که رژیم صهیونیستی، پشت ترور دانشمند ارشد هسته‌ای ایران است و شهید دکتر فخری‌زاده «مدت‌ها زیر نظر رژیم صهیونیستی بوده است»؛ با این حال، در مورد این که آمریکا از جزئیات حمله مطلع بوده است یا خیر اظهار نظری نکرد. بی‌شک، شهید دکتر فخری‌زاده برای سازمان اطلاعاتی خارجی به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی، فردی شناخته شده بود و این ترور، «معادل هسته‌ای» شهادت سردار سلیمانی توصیف شده است.

نشریه پر بازدید بیلد، رژیم صهیونیستی را مظنون اصلی ترور شهید محسن فخری‌زاده نامید و نوشت که احتمال انتقام‌گیری جمهوری اسلامی ایران، تل‌آویو را بسیار نگران کرده است. رژیم صهیونیستی به عنوان مظنون اصلی این حمله شناخته می‌شود و این موضوع کار را برای مقامات رژیم

صهیونیستی دشوار می‌کند. در حال حاضر، رژیم صهیونیستی نه تنها باید با اقدامات سخت از سوی جمهوری اسلامی ایران مقابله کند، بلکه باید مراقب اقدامات طرفداران جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه خود نیز باشد. بیلد بیان داشته که هر چند رژیم صهیونیستی به طور رسمی، دست داشتن خود در این حمله را تأیید نکرده است، اما نشانه‌های روشنی وجود دارد که تل‌آویو انگیزه کافی برای این حمله داشته است.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی، نام او را به طور مستقیم، در برنامه تبلیغاتی خود به زبان آورد و مدعی شد که در خصوص برنامه تسلیحاتی اتمی کار می‌کرده است. شهید فخری‌زاده، از طرف مقامات رژیم اشغالگر قدس با ذکر نام تهدید شده بود و دو نخست وزیر رژیم صهیونیستی، سال‌های سال به دنبال ترور او از طریق چوخه‌های کشتار موساد و سایر گروه‌ها بودند و بر عهده نگرفتن مسئولیت این اقدام توسط آن‌ها ناشی از ترس و وحشت آن‌هاست. محسن فخری-زاده، از دانشمندان مؤثر و عالی در زمینه تحقیقات علمی در کشور بوده است.

۲. شهادت دکتر فخری‌زاده و نقض تعهدات اولیه حقوق بشر

حقوق بشر، آن حقوقی دانسته می‌شوند که هر فرد انسانی، از آن جهت که انسان است فارغ از رنگ، پوست، نژاد، دین، جایگاه و موقعیت اجتماعی و جنسیت، دارای آن برشمرده می‌شود. این حقوق، از آن جهت که در عصر حاضر در اکثر قوانین ملی کشورها و مقررات بین‌المللی مربوطه، به رسمیت شناخته شده، از نوع حقوق مبتنی بر قانون به حساب می‌آیند. طرفداران حقوق بشر، نهضت‌ها و جنبش‌های حقوق بشری، انسان را مقدم بر هر گونه قانون وضعی، دارای این حقوق می‌دانند و قوانین کشورها باید آن‌ها را در خود جای دهند. از این لحاظ، مفهوم نوین حقوق بشر، از نوع حقوق اخلاقی و طبیعی به شمار می‌آید. مطابق با آن، این اعتقاد وجود دارد که آدمیان، دارای حس و نگاه اخلاقی مشترک در خصوص احترام به زندگی انسانی، مدارای فرهنگی، تنوع دینی، برابری جنسی و نژادی، جایگاه و منزلت کارگر، آزادی سیاسی و دموکراسی قلمداد می‌شوند. در واقع، در میان جهانیان، به ویژه گروه‌های مدافع حقوق بشر، نوعی باور و ایمان به حقوق بشر بر اساس این تصور به وجود آمده است که در مخالفت با انواع ظلم و ستم می‌توان به مجموعه‌ای از اصول اخلاقی مشترک و جهان شمول استناد کرد که این اصول اکنون در چارچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر و مانند آن تعریف و منعکس شده‌اند و از پذیرش جهانی نیز برخوردارند. این نگاه، به موجب حس و درک انواع گوناگون ظلم در جهان جدید و تلاش برای جلوگیری از آن و نجات قربانیان آن، به تدریج از سوی غالب جهانیان به رسمیت شناخته

شده و به منزلت و موقعیت اخلاقی و حقوقی کنونی خود دست یافته است.

حق حیات یکی از حقوق بنیادین بشر است. سلب حق حیات، یک قاعده آمره^۱ است که در شهادت دکتر فخری زاده نقض شده است. در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر حق حیات، تأکید شده است (3) Universal Declaration of Human Rights, 1948: Art. 3؛ قاری-سیدفاطمی و قبادی، (۱۳۹۷: ۵۶). از این رو، سلب حق حیات یا کشتار فراقانونی، نقض موازین حقوق بین الملل بشر تلقی می شود و طبق این ماده، نمی توان بدون حکم قانون یا خارج از چارچوب حقوقی، حق حیات افراد را سلب کرد. حقوق بشر، حقوق ذاتی، طبیعی و بنیادین بشری است. دکتربین حقوق بشر مطرح شده در دهه های پایانی قرن بیستم موجب شکل گیری و ایجاد دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) و رواندا (۱۹۹۴) گردید و زمینه توسعه ادبیات حقوقی در حقوق بین الملل کیفری و مقررات دادرسی کیفری مربوط به مسئولیت بین المللی کیفری افراد را فراهم آورد (Finucane, 2009: 174 & 175). حق حیات، از نظر حقوق بین الملل به عنوان حق بنیادین بشری به شمار رفته و نقض آن به معنای نقض قاعده آمره تلقی شده است. اختلافات کشورها باید بر اساس اصل حل و فصل مسالمت آمیز و منع هر گونه توسل به زور فیصله یابد. «حق حیات»، در اسناد متعدد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و بر تضمین آن تأکید شده است و نقض آن به عنوان نقض حقوق بنیادین بشری به شمار می رود.

در ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز به مسأله ممنوعیت سلب حق حیات، تأکید شده است (6) International Covenant on Civil and Political Rights, 1966: Art. 6). بنابراین، ترور هدفمندی که در مورد شهید فخری زاده اتفاق افتاده، نقض فاحش این ماده است. حقوق بشر، نقض حق حیات را محکوم می کند. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد اعدام های فراقانونی نیز بر این امر، صحه گذاشته است. در یک کلام، کشتار هدفمند تنها در مواردی مجاز است که هیچ جایگزینی که در آن جان کسی گرفته نشود، دست یافتنی نباشد.

حقوق بنیادین بشر آمده است که حقوق بشر، اساسی ترین و ابتدایی ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی و فطری، به صرف انسان بودن از آن بهره مند می شود. عملیات انتحاری، موضوعی

^۱ قاعده آمره حقوق بین الملل عام قاعده ای است که به وسیله کل جامعه بین المللی کشورها به عنوان قاعده ای تخلف ناپذیر، که تنها با یک قاعده بعدی حقوق بین الملل عام، با همان ویژگی قابل تعدیل می باشد، پذیرفته و مورد شناسایی قرار گرفته است.

است که می‌تواند با مبحث سلب حیات از خود و دیگران مطرح شود؛ موضوعی که در عصر حاضر، به عنوان پدیده‌ای جدید و نوظهور و به صورت سازمان‌دهی شده یا بدون سازمان‌دهی، با انگیزه‌های مختلف، صورت می‌گیرد.

در مجموع، حدود ۲۵ معاهده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است که بسیاری از دولت‌ها، آن‌ها را تصویب کرده و تعهد و الزام قراردادی به اجرای آن‌ها دارند و غیر از اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر دوستانه، به ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو دانسته می‌شوند.

حق حیات به عنوان حقی مطلق و بنیادی و پایه سایر حقوق مورد حمایت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به عنوان حق ذاتی انسان تلقی گردیده است. حیات به عنوان اساسی‌ترین ارزش انسانی، بر دیگر حق‌ها مقدم دانسته شده است (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۹۵: ۳۷). با این که تعریف حق حیات، ساده به نظر می‌رسد، با دشواری‌های خاص خود رو به رو است؛ از یک سو، برخورداری از حق حیات، امری ساده و بدیهی به نظر می‌رسد و برای همگان روشن است که حق زندگی کردن و ادامه دادن به زندگی، در زمره حقوق اولیه و اساسی بشر است و از سوی دیگر، منازعات متعددی در مورد حدود و گستره حق حیات در ادبیات حقوق بشر وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین سندهای بین‌المللی قراردادی حقوق بشر، یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که به موجب ماده ۶، حق حیات را از حقوق ذاتی و شخصی انسان دانسته که باید به موجب قانون حمایت شود و هیچ کس را خودسرانه و بدون مجوز قانونی، نمی‌توان از این حق، محروم کرد (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966: Art. 6).

مطابق با آنچه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نقض حق حیات شناخته‌اند، نه با ارجاع به حق، بلکه با ارجاع به معنای حیات، قابل درک و فهم است. در این باره شایسته توجه است که جمهوری اسلامی ایران به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر پای بند بوده است (مهرپور، ۱۳۸۶: ۱۹۵) و گزارش دوره‌ای خود را در زمینه حسن اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی تقدیم کرده است.

۳. رد مدعای مطروحه در خصوص شهادت دکتر فخری‌زاده

کشتار دیگری، از منظر تاریخی، به اعصار پیشین باز می‌گردد و اقدامی قهری در راستای تحقق منویات سیاسی است (علیاری تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۳۱)؛ با این حال، با تجلی مفاهیم متضمن حقوق بشر

در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی، اعتبار و جایگاه خود را از دست داد و قتل نفس، منحصر به طی فرآیند قضایی عادلانه در محاکم صلاحیت‌دار شد. در این خصوص، برخی از دولت‌ها، برای تحکیم و قوام خود، به ترور سیاسی و قتل هدفمند مخالفان پرداخته (Boas, 2012: 192) و آن را حق مشروع خود خوانده‌اند (Solis, 2007: 138). قتل هدفمند، در قلمرو حقوق کیفری (سرزمینی)، قتلی فراقانونی و عمدی است که از سوی دولت و هواداران آن یا از طریق اشخاص، نهادها یا گروه‌های غیردولتی انجام می‌شود. ویژگی مهم این قتل، عمدی و انتخابی بودن، عدم طی مراحل محاکمات قضایی و فقد صدور حکم از دادگاه صالح است که این اقدام با قواعد و اصول حقوق کیفری و موازین مندرج در اسناد بین‌المللی متضمن حقوق بشر، در تعارض آشکار است (اخوان فرد و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۲۵).

قتل هدفمند، زمانی می‌تواند مشروع باشد که مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی در جریان باشد. بدون جریان داشتن یک مخاصمه مسلحانه، قتل هدفمند شهروندان، اعم از تروریست‌ها و غیرتروریست‌ها، نامشروع است. قتل هدفمند، علیه یک شخص غیردولتی یا دولتی، چه توسط ارتش و چه توسط نهادهای غیرنظامی، همانند سازمان سیا، تنها به دلیل استفاده از قوه قهریه نمی‌تواند، به صورت خودکار استناد به حقوق بین‌الملل بشردوستانه را مجاز کند. در واقع، چنانچه قرار باشد دیوان بین‌المللی کیفری، قتل هدفمند را بر اساس ضوابط و معیارهای موجود، بررسی کند، برای هرکس که اقدام به قتل هدفمند کند حکم قتل عمد و جنایت جنگی صادر خواهد کرد. به موجب معیارهای مورد نظر، قتل هدفمند نوعی اعدام فراقانونی یا چیزی شبیه به آن تلقی گردیده و به شدت، به چالش کشیده شده است. از نظر بسیاری از صاحب نظران حقوق بین‌الملل، قتل هدفمند را فقط با وجود عوامل و شرایط زیر می‌توان اعدام فراقانونی یا قتل عمد تلقی نکرد:

- این امر در جریان یک مخاصمه مسلحانه به وقوع پیوندد؛
 - مخاصمه مسلحانه به موجب منشور ملل متحد مبتنی بر اصل «دفاع مشروع» باشد؛
 - به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمه مربوطه، یک مخاصمه مسلحانه تلقی شود؛
 - در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد.
- در حقوق بین‌الملل عرفی و موضوعه، هیچ اشاره‌ای به موضوع «قتل هدفمند، قتل فراقانونی یا قتل فراسرزمینی»، نشده و با ملاحظه کنوانسیون‌های لاهه ۱۹۰۷، منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و همین‌طور اساسنامه دیوان بین-

المللی کیفری می‌توان دانست که هیچ تصریحی بر موضوع «قتل هدفمند» نشده و از این رو، اصل بر غیرقانونی بودن این عمل است.

خارج از دوره استمرار مخاصمه مسلحانه که حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر آن حاکم است، در تمامی شرایط دیگر، حقوق بین‌الملل بشر، مقررات عام و حاکم است. از این رو، به موجب قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل بشر، استفاده از قوه قهریه، تنها به منظور دفاع از خود یا دیگران و در برابر تهدید به مرگ یا جراحت فوری یا به منظور ممانعت از مشارکت در یک جنایت خاص و شدید، همانند تهدید عینی به قتل، مجاز است. مطابق با این استاندارد، حتی نمی‌توان افراد را تنها به دلیل رفتار غیرقانونی پیشین، هدف گرفت و به قتل رساند. براساس «مدل اعمال قانون یا حقوق بین‌الملل بشر» (مدل مواجهه با تروریسم بین‌المللی)، تروریست‌ها، نیروی رزمنده نیستند. از این رو، این قانون، عملیات را بر بازداشت آن‌ها متمرکز می‌کند و معتقد است که قتل هدفمند، قتلی غیرقانونی یا فراقانونی است.

جامعه جهانی نمی‌تواند با تأیید قتل‌های غیرقانونی هدفمند، اقدام به قتل را مجاز بداند تا عاملان آن از مجازات مبرا شوند (اخوان فرد و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۵۳). امری که فیلیپ آستون، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در گزارش خود در خصوص «قتل هدفمند»، نیز بر آن تصریح داشته است. ایالات متحده آمریکا برای توجیه اقدامات نظامی خود در قالب قتل هدفمند فراسرزمینی از طریق عملیات نیروهای ویژه و پهپادها، مبادرت به ارائه استدلال‌هایی در راستای مشروعیت‌زایی و قاعده‌سازی در حوزه حقوق بین‌الملل کرده است (Anderson, 2009: 11, 36 & 37).

ایالات متحده از گذشته، دکتین دفاع مشروع پیش‌دستانه را اساس حقوق دفاع عرفی خود قرار داده و آن را منوط به رعایت دو عنصر «ضرورت» و «تناسب» دانسته است. از این رو، با وجود تصریح ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، دولت آمریکا خود را نیازمند وقوع یک تهاجم واقعی یا عینی برای استناد به دکتین دفاع مشروع نمی‌داند. این به آن معنا است که برای جلوگیری از احتمال وقوع یک حمله در آینده، می‌تواند به اقدامات پیش‌گیرانه در قالب دفاع مشروع از منافع خود، متوسل شده (Fletcher & Sheppard, 2005: 581 & 590) و به حمله پیش‌دستانه مبادرت کند.

- دادگاه عالی آمریکا، جنگ علیه ترور را با خصیصه یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی به رسمیت شناخته و از این رو، از نظر آمریکا جنگ با تروریسم تحت قیود حقوق مخاصمات مسلحانه قرار می‌گیرد.

- در قتل هدفمند، عنصر رزمندگی، شرط اساسی برای یافتن اهداف است. از این رو، در

صورت رزمنده بودن فرد، او هدفی مشروع است و قتل سربازان دشمن در هر محلی که یافت شوند، اقدامی قانونی و مجاز تلقی می‌شود.

- تمام حملات نظامی منجر به مرگ غیرنظامیان، ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیست، بلکه تنها حملاتی که غیرنظامیان را بدون ایجاد تمایز میان آن‌ها، هدف قرار دهد یا حملات نظامی که تلفات غیرنظامیان در آن نامتناسب باشد، ناقض حقوق بین‌الملل توسل به زور و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

- ایالات متحده آمریکا معتقد است که علاوه بر مشارکت مستقیم یک فرد در یک تهاجم مسلحانه، حمایت معنوی از سازمان‌های تروریستی، مانند سخنرانی و تشویق به مبارزه نیز مشارکت مستقیم در درگیری مسلحانه تلقی می‌شود.

- ایالات متحده آمریکا از مفهوم زمان درگیری، تفسیر بسیار موسعی دارد؛ به گونه‌ای که در پاسخ به حملات بیش از یک دهه پیش، همچنان دفاع پیش‌دستانه از خود را مشروع می‌داند (آهنی امینه و ظریف، ۱۳۹۱: ۶ و ۲۲)

- مقامات آمریکایی در دفاع از نقض حاکمیت ملی کشورها که مورد تصریح منشور ملل متحد است (UN Charter, 1945: Art. 2)، عنوان کرده‌اند که ایالات متحده آمریکا حق ذاتی دفاع مشروع را مطابق با ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، با به کارگیری نیروی نظامی اعمال می‌کند و این در شرایطی است که کشور مورد هدف، قادر نیست یا تمایل ندارد با تهدیدات مهم و قریب-الوقوع مقابله کند (UN Charter, 1945: Art. 51).

با بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که دفاع مشروع حقی است قانونی که با توسل به آن دفاع می‌تواند در موقعیتی ناروا که ضروری و با رفتاری به ظاهر مجرمانه، تجاوز نفس، آزادی تن، ناموس، مال او یا دیگری را تهدید کرده است، دفع کند (اخوان فرد و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۳۹).

هدف نهایی از دفاع مشروع، صیانت از حقوقی است که مورد حمایت قانون است و در نظام-های متفاوتی نسبت به محدوده و موضوع آن، اختلاف رویکرد وجود دارد. رویکرد موجود در زمینه موضوعات مورد حمایت، قطع نظر از اشتراکات نظام حقوقی در این خصوص تا حد فراوانی متأثر از فرهنگ، آداب و سنن و نوع نگاه آن نظام به فرد و اجتماع است.

اگرچه در حال حاضر، در حقوق بین‌الملل موضوعه، دفاع مشروع به عنوان یک حق مجاز برشمرده شده، اما این حمایت از یک سیر تکمیلی برخوردار است که این تکامل و توسعه امروزی،

حاصل پیشرفت حوزه حمایت از حقوق فردی است. می‌توان گفت که نخستین موضوع از حقوق فردی که از ابتدا مورد حمایت قرار گرفته و کسی در آن تردید نداشته است، دفاع در برابر تعرض به نفس بوده است. طبیعی است که برای انسان چیزی ارزشمندتر از جان نیست و همین دفاع از نفس پایه و اساس دفاع مشروع در مقیاس امروزی را تشکیل داده است. خلقت انسان بر پایه آزادی، به عنوان یکی از لوازم زندگی فردی و اجتماعی و مصونیت نسبت به هرگونه محدودیت از قبیل توقیف و حبس غیرمجاز، به انسان این امکان را داده است تا در وضعیتی که در معرض تجاوز حقی قرار گرفته است، از خود واکنش نشان داده و آن را دفع کند و به جز در مواردی که قانون برای افراد، محدودیتی در نظر گرفته، کسی حق ایجاد چنین محدودیتی را نخواهد داشت (شمس ناتری و عبدالله یار، ۱۳۸۹: ۱۰۵ و ۱۰۶). از این رو، در رد استدلال طرف مقابل باید گفت که بدون تردید، در ترور شهید فخری‌زاده تعرض به نفس و جان صورت پذیرفته و نامشروع است؛ چه این که شهید تعرضی به حق یا قانونی نداشته است که مستوجب دفاع مشروع و ترور باشد.

به‌طور کلی و در چارچوب حقوق بشر، حق حیات، حقی بنیادین و قاعده‌ای لازم‌الاجرا است. ممنوعیتی آشکار در مورد منع به خطر انداختن زندگی افراد، چه در داخل قلمرو خود و چه در قلمرو دیگر کشورها وجود دارد. بر اساس ماده ۵۶ منشور سازمان ملل متحد، دولت‌های عضو، متعهد به احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه انسان‌ها هستند (UN Charter, 1945: Art. 56). همچنین ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر عنوان می‌دارد: «هیچ‌کس نباید مورد شکنجه یا رفتارها و مجازات غیرانسانی قرار گیرد» (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Art. 5). میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در این رابطه اشعار می‌دارد: «هر انسانی حق ذاتی برای حیات دارد. این حق باید توسط قانون مورد حمایت قرار گیرد».

لازم به ذکر است که اکثر کشورها این کنوانسیون را امضا کرده‌اند و به تعهدات مندرج در آن متعهد شده‌اند. مستند قانونی دیگر در عرصه حقوق بین‌الملل، عبارت است از بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که بیان می‌دارد: «هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه و بدون مجوز، از حق زندگی محروم کرد» (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966: Art. 6 (1)). کمیته حقوق بشر نیز در تفسیر عام شماره ۱۰ تصریح می‌کند که دولت‌ها وظیفه مهمی در جلوگیری از جنگ، نسل‌زدایی و سایر اقدامات خشونت‌بار ناقض حق حیات بر عهده دارند. از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در حال حاضر، ایران با هیچ کشور دیگری در حالت

درگیری مسلحانه به سر نمی‌برد. گرچه ممکن است روابط آن با برخی کشورها دوستانه نباشد، اما این حالت، مجوز حاکم شدن قواعد جنگ بر روابط طرفین را به دست نمی‌دهد. بنابراین، اقدام به ترور در چنین شرایطی نقض مقررات حقوق بین‌الملل است. چنانچه هنگام ترور، شرایط جنگی بین ایران و کشور عامل ترور وجود داشته باشد، باز هم در این حالت مجاز به حمله عامدانه به افراد غیرنظامی نیستند. در این رابطه پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به موافقت‌نامه‌های ۱۹۴۹ ژنو به روشنی گفته است: «هرکس که در عملیات جنگی حضور و مشارکت ندارد، رزمنده نیست؛ بلکه غیرنظامی محسوب می‌شود». به همین دلیل، دانشمندان نظامی همواره در زمره غیرنظامیان برشمرده شده‌اند و چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح نمی‌توان آن‌ها را ترور کرد.

بر اساس مفاد چند معاهده بین‌المللی درباره تروریسم، ترور به هر شکلی، غیرقانونی و موجب پیگرد است. یکی از مهم‌ترین موارد در این رابطه، «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری تروریستی» است که در حال حاضر، ۱۶۴ کشور آن را امضا کرده‌اند. مطابق با بند ۲ این کنوانسیون، «هر کس به هر طریق اقدام به وارد کردن، جای‌گذاری و منفجر کردن مواد منفجره در یک محل عمومی، ساختمان دولتی و ایستگاه‌های سیستم حمل و نقل عمومی کند که منجر به تخریب، زخمی شدن یا مرگ کسی شود، مرتکب عملی تروریستی شده است». با این تعریف، مشخص است که ترور دانشمندان ایرانی، از جمله و به ویژه شهید محسن فخری زاده، عملیات تروریستی به حساب می‌آید؛ زیرا اقدام به «کشتن» با استفاده از «مواد منفجره» و در «مکان عمومی» صورت گرفته است.

بدین ترتیب، ادعای ایالات متحده آمریکا مردود است. چه این که، آن به این معنا است که ایالات متحده آمریکا در هر زمان و هر مکان، بتواند بنا بر دکترین دفاع پیش‌دستانه، با ادعای جلوگیری از اقدامات مخرب علیه تمامیت سرزمینی و ملی خود، به اقدامات نظامی علیه مخالفان خود پردازد و از این رو، خود را ملزم و مقید به رعایت موازین پذیرفته شده جامعه بین‌المللی به آن گونه که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد منعکس شده است، نداند (UN Charter, 1945: Art. 51). ادعای مزبور به جهت دلایل حقوقی متعدد ذیل باطل و کان لم یکن است؛

- دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه، جایی در اصول و موازین حقوق بین‌الملل ندارد و دکترین مزبور منسوخ و غیرقابل اعتنا است؛ چرا که با عنایت به ماده ۵۱ منشور ملل متحد، مستلزم دفاعی مسلحانه جهت جلوگیری از پیشروی دشمن و رفع تجاوز بطور موقت است (UN Charter, 1945: Art. 51) و از آنجایی که دفاع پیش‌دستانه، حمله‌ای نظامی بطور ابتدائی است، لذا در این

مقوله وجهی از صحت و محلی از اعراب ندارد؛

- به جهت عدم اعلام جنگ صریح از سوی ایالات متحده آمریکا، به جمهوری اسلامی ایران و تأکید مستمر آمریکا برای انجام مذاکرات با ادعای گسترش و تعمیق تفاهم بین دو کشور و همین طور، به جهت نبود مخاصم مسلحانه بین‌المللی جاری بین دو کشور یادشده، قتل مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران، اقدامی ناقض مهم‌ترین هدف منشور ملل متحد یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است ((UN Charter, 1945: Art. 1(1))؛

- شناسایی بخشی از نیروهای مسلح یک کشور (تحت هر عنوانی که در قالب نیروهای مسلح آن کشور فعالیت می‌کنند) به عنوان سازمان تروریستی از سوی سایر کشورها، به لحاظ موازین حقوق بین‌الملل، جواز حمله نظامی به آن‌ها را فراهم نمی‌سازد؛ زیرا برای هر اقدام نظامی می‌بایست طرق معین در منشور ملل متحد طی گردد تا بتواند مورد تأیید حقوق بین‌الملل باشد. این در حالی است که آمریکا بدون رعایت موازین حقوق بین‌الملل و با تفسیر موسع و منحصر به فرد از مفهوم تروریسم، هر سازمان یا گروه (متعلق به دولت‌ها یا غیر آن) که مخالف با منویات خود باشد را تروریسم نامیده و به کشتار آن‌ها می‌پردازد؛

- ترور هدفمند شهید فخری‌زاده به جهت وابستگی آنان به شاکله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، مصداق نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد هم دانسته می‌شود (UN Charter, 1945: Art. 2(4))؛ چه این که، آمریکا با اقدام اخیر علیه تمامیت و اقتدار سیاسی جمهوری اسلامی ایران متوسل به زور شده است.

حال، ترور شهید فخری‌زاده، به منزله نقض اصل منع مداخله در امور داخلی دیگر کشورها نیز قلمداد می‌شود. ایران در مقابله با این اقدام آمریکا، اعتراض خود را از طریق وزارت وقت امور خارجه به دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام و درخواست رسیدگی نموده است و هم چنین مقامات عالی رتبه بسیاری از کشورهای جهان نظیر فدراسیون روسیه، چین، ترکیه و پاکستان اقدام منفور آمریکا را مصداق بارز نقض حقوق بین‌الملل دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

بعضی از کشورها به طور مشخص، ترور را در دستور کار خود قرار داده‌اند و ابایی از ترور کردن ندارند. به موجب آن چه که در بند اول از ماده یک کنوانسیون ۱۹۴۷ ژنو بیان شده است، اعمال متخلفانه

بین‌المللی علیه یک دولت با هدف ایجاد وحشت در اشخاص و گروه‌های خاص یا در سطح جامعه، تروریسم است. تروریسم با هر اقدامی دو هدف دارد؛ هدف اول، گرفتن جان انسان یا انسان‌های مشخص شده است و هدف دوم که مهم‌تر است، هدف قرار دادن امنیت افراد و امنیت جامعه است. این به آن معنا است که امنیت سیاسی، روانی و حتی اقتصادی یک جامعه را نشانه می‌گیرد.

شهید فخری‌زاده، از طرف مقامات رژیم اشغالگر قدس با ذکر نام تهدید شده بود و دو تن از نخست وزیران رژیم صهیونیستی، سال‌های سال به دنبال ترور او از طریق چوخه‌های کشتار موساد و سایر گروه‌ها بودند و بر عهده نگرفتن مسئولیت این اقدام، توسط آن‌ها ناشی از ترس و وحشت آن‌هاست.

در ماده ۶ میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ به مسأله ممنوعیت سلب حیات تأکید شده است. ترور هدفمندی که در مورد شهید فخری‌زاده اتفاق افتاده، نقض فاحش این ماده است. حقوق بشر، نقض حق حیات را محکوم می‌کند و حقوق بشردوستانه هم اهداف مجاز حمله به مبارزان را محدود می‌سازد. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد اعدام‌های فراقانونی نیز بر این امر، صحنه گذاشته است. کشتار هدفمند تنها در مواردی مجاز است که هیچ جایگزینی که در آن، جان کسی گرفته نشود دست یافتنی نباشد. جامعه بین‌المللی با آگاهی از خطرهای تروریسم، اقدامات متعددی را در مقابله با تروریسم انجام داده است. نتیجه این اقدامات، تصویب قطعنامه‌ها و معاهدات علیه تروریسم در ابعاد مختلف تروریسم بین‌المللی بوده است. با این که جامعه جهانی در دستیابی به یک تعریف مورد قبول از تروریسم توفیقی نداشته است، اما کنوانسیون‌های ضدتروریسم و اسناد صادره از سوی سازمان‌های بین‌المللی از جمله و به ویژه سازمان ملل متحد، اعمال تروریستی مختلف را تعریف و از آن‌ها به عنوان جرائم بین‌المللی یاد کرده‌اند. در عملیات ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، از جمله و به ویژه شهید فخری‌زاده، از «مواد منفجره» که به «کشتن» افراد منجر شده در «مکان‌های عمومی» استفاده شده است. اقدام مطروحه، نقض آشکار حق حیات است.

با وجود این که در منشور سازمان ملل متحد، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن و نیز در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ذکری از موضوع عام قتل هدفمند به میان نیامده است، ولی این موضوع در چند دهه اخیر توسط برخی دولت‌ها نظیر ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، اعمال شده و در حال گسترش است. در این راستا، پژوهشگران حقوق بین‌الملل نیز در راستای تبیین مبانی و ساختار آن، نظریاتی ارائه داده و قتل هدفمند فراسرزمینی را به عنوان یک «ترور انتخابی»، قتلی از روی قصد و اراده و تفکر قبلی یک فرد یا گروه، توسط دولت یا نهاد دولتی وابسته، بدون طی فرآیند دادرسی قضایی

و نیز بدون وقوع در صحنه نبرد در قلمرو سایر دولت‌ها تعریف کرده‌اند. در عصر حاضر، با شکل‌گیری نهادهای مختلف بین‌المللی، اقدامات دولت‌ها دقیق‌تر در معرض دید و نظر تابعین حقوق بین‌الملل و حتی افراد حقیقی قرار می‌گیرد. بنابراین دولت‌ها برای حفظ وجهه مثبت خود ناگزیر از آنند که عملکرد خود را تحت عناوین مشروع سامان دهند. گرچه دول مستکبر در پی تنظیم رفتار خود با مقررات نیستند، اما تلاش می‌کنند تا پوششی از قواعد پذیرفته شده بین‌المللی را برای توجیه اقدامات خود مطرح کنند؛ دقیقاً مانند توجیهی که آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر برای حمله به القاعده و افغانستان استفاده کرد. از آن زمان، «قتل هدفمند برای مبارزه با تروریسم» به عنوان پوششی بر حمله به اتباع دیگر کشورها (اعم از نظامیان و غیرنظامیان) با دایره شمولی بسیار وسیع و بدون قید اضافه، مورد استناد ایالات متحده قرار گرفت. در ترور شهید دکتر فخری‌زاده نیز گزارشگر سازمان ملل متحد، با به کار بردن اصطلاح قتل هدفمند، به طور ضمنی به دنبال مشروعیت‌بخشی به این نوع از ترور و سلب مشروعیت از فعالیت‌های شهید دکتر فخری‌زاده (به واسطه خصوصیت ضدتروریسم بودن قتل هدفمند) بود.

اکثریت علمای حقوق بین‌الملل معتقدند که مشروعیت «قتل هدفمند» منحصر به جریان یک مخاصمه مسلحانه است و در غیر این صورت، قتل سیاسی یا اعدامی فراقانونی محسوب می‌شود؛ با این حال، ایالات متحده آمریکا، با اعلام این که در جنگ با تروریسم، قائل به هیچ محدودیت جغرافیایی نیست، در عمل، به نقض آشکار «اصل عدم تعرض و لزوم احترام به تمامیت سرزمینی کشورها» به آن گونه که در ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد منعکس شده، پرداخته است. آمریکا محذورات حقوق بین‌الملل و احترام به حاکمیت کشورهایی که تمایل به بازداشت تروریست‌های مستقر در خاک خویش ندارند یا از این امر ناتوان هستند را رعایت نمی‌کند.

ترور شهید فخری‌زاده نقض قاعده ممنوعیت سلب حق حیات و مخالف با نظام بین‌المللی حقوق بشر است. ضروری است کشورهای عضو ملل متحد، برای مقابله با اقدامات خلاف حقوق بین‌الملل برخی کشورها درخصوص قتل هدفمند، به ثبت اعتراض خویش در دبیرخانه ملل متحد اقدام کنند تا به مرور زمان، این اعمال فراقانونی به رویه‌ای عرفی در نظام حقوق بین‌الملل تبدیل نشده و اساس امنیت بین‌المللی را با چالش مواجه نکند.

منابع

- اخوان فرد، مسعود و ابراهیمی، وحید (۱۳۹۹). قتل هدفمند در سنجه حقوق بر مخاصمه، حقوق در مخاصمه و حقوق بشر: مطالعه موردی شهدای فلسطین، گفتمان راهبردی فلسطین، شماره ۳، ۲۱-۶۴.
- آهنی امینه، محمد و ظریف، محمد جواد (۱۳۹۱). قتل هدفمند: مبانی متعارض در حقوق بین‌الملل (با تأکید بر عملیات قتل هدفمند ایالات متحده آمریکا)، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴، ۱-۳۰.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم و عبدالله یار، سعید (۱۳۸۹). دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن، مطالعات حقوقی، شماره ۲، صص ۱۰۳-۱۲۸.
- علیاری تبریزی، بهاء‌الدین (۱۳۹۳). مختصری بر تاریخ اروپا (از عهد باستان تا تشکیل سازمان ملل متحد)، تبریز.
- قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۵). حقوق بشر در جهان معاصر: دفتر دوم (جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها)، تهران: مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد و قبادی، مرضیه (۱۳۹۷). بررسی رابطه میان تروریسم و حق حیات در پرتو رویه قضایی بین‌المللی، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۶، ۵۵-۷۸.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۶). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- نوری، جواد و جان آبادی، مصطفی (۱۳۹۵). بررسی دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌المللی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
- Anderson, Kenneth (2009). "Targeted Killing in U.S. Counterterrorism Strategy and Law", American University Washington College of Law, Working Paper, 6 May.
- Boas, Gideon (2012). Public International Law: Contemporary Principles and Perspectives, Edward Elgar Publishing.
- Charter of the United Nations [UN] (1945).
- Fassihi, Farnaz; Sanger, David; Schmitt, Eric & Bergman Ronen (2020). "Iran's Top Nuclear Scientist Killed in Ambush. State Media Say", New York Times, 27 November. Available at: <https://www.nytimes.com/2020/11/27/world/middleeast/iran-nuclear-scientist-assassinated-mohsen-fakhrizadeh.html>

- Finucane, Brian (2009). "Enforced Disappearance as a Crime Under International Law: A Neglected Origin in the Laws of War", Yale Journal of International Law, vol. 35, pp. 171-197.
- Fitzpatrick, Mark (2013). The Iranian Nuclear Crisis: Avoiding Worst-Case Outcomes, Routledge.
- Fletcher, George & Sheppard, Steve (2005). American Law in a Global Context: The Basics, Oxford University Press.
- General Assembly of the United Nations [UNGA] (1948). Universal Declaration of Human Rights, Res. 217 A (III).
<https://foreignpolicy.com/2013/04/29/the-fp-power-map/> (Last visited: 2022.03.23).
- <https://legal.un.org/ilc/guide/gfra.shtml> (Last visited: 2022.03.18).
- https://treaties.un.org/pages/AdvanceSearch.aspx?tab=UNTS&clang=_en (Last visited: 2022.03.18).
- <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/home> (Last visited: 2022.03.18).
- <https://www.un.org/securitycouncil/content/resolutions-adopted-security-council-2007> (Last visited: 2022.03.23).
- International Covenant on Civil and Political Rights (1966).
- Security Council of the United Nations [UNSC] (2007). Resolution 1747, Non-Proliferation.
- Solis, Gary (2007). "Targeted Killing and the Law of Armed Conflict", Naval War College Review, vol. 60, pp. 127-146.